

اشتغال جهانی و چشم انداز اجتماعی

سازمان جهانی کار- ۲۰۱۵

ترجمه: هما کریمی راد

این مقاله ترجمه و تلخیصی است از کتاب:

World Employment and Social Outlook- Trends 2015 که توسط سازمان جهانی کار منتشر شده است.

در گزارش سال ۲۰۱۵، علاوه بر بررسی مسئله اشتغال جهانی، به اثرات اجتماعی بیکاری در جوامع مختلف طی سال های آتی پرداخته شده است. متن کامل کتاب در سایت رسمی این سازمان به آدرس: www.ilo.org قابل دسترسی است.

دورنمای پرتلاطم اشتغال

می گذارد. در سال ۲۰۱۴، ۷۴ میلیون جوان (سنین بین ۱۵-۲۴ سال) جویای کار بوده اند. نرخ بیکاری در جوانان عملاً سه برابر همتایان بزرگسال آنان است. علی رغم بهبود شرایط آموزش و میزان تحصیلات، بیکاری گسترده جوانان در تمام نقاط جهان به امری عادی تبدیل شده است و بر تنش های اجتماعی دامن می زند.

نرخ رشد اقتصاد جهانی همچنان پایین تر از دوران قبل از بحران سال ۲۰۰۸ است و این رشد به وضوح توان غلبه بر شکاف های اجتماعی و اشتغال را ندارد. چالش بازگرداندن روند بیکاری و عدم توسعه به سطح پیش از بحران با توجه به خطرات جدی اقتصادی و اجتماعی پیش رو، وظیفه ای بسیار خطیر است.

علیرغم ادامه شرایط پیچیده در اروپا، اشتغال در اقتصادهای

پیشرفته رو به بهبود است

دورنمای اشتغال در مناطق مختلف متفاوت است و در اقتصادهای توسعه یافته، علیرغم تفاوت های جدی بین کشورها، وضعیت اشتغال بهبود یافته است. در ایالات متحده امریکا و برخی کشورهای اروپایی و ژاپن نرخ بیکاری حتی تا میزان پیش از بحران کاهش یافته و در جنوب اروپا نیز به کندی از نرخ های بالای بیکاری کاسته می شود.

وختام شرایط در اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه

در مقابل، شرایط در کشورهای با درآمد متوسط و اقتصادهای نوظهور، از جمله کشورهای امریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب، چین، فدراسیون روسیه و برخی کشورهای عربی، رو به وختام گذاشته است. با وجود نرخ رشد اقتصادی مناسب طی چند سال

ادامه روند گسترش شکاف اشتغال جهانی

نتایج حاصل از این پژوهش نشانگر آن است که دورنمای اشتغال جهانی طی پنج سال آتی رو به وختام دارد. در سال ۲۰۱۴ بیش از ۲۰۱ میلیون نفر در سطح جهان بیکار بوده اند، این رقم ۳۱ میلیون نفر بیشتر از زمان آغاز بحران است. طی سال ۲۰۱۵ حدود ۳ میلیون نفر و در چهار سال بعد نیز بیش از ۸ میلیون نفر بر این تعداد افزوده خواهد شد.

شکاف اشتغال جهانی که میزان مشاغل از دست رفته از زمان آغاز بحران را نشان می دهد، در حال حاضر ۶۱ میلیون نفر را شامل می شود. اگر افرادی که طی پنج سال آتی به بازار کار وارد خواهند شد به حساب آورده شود، تا سال ۲۰۱۹، ایجاد ۲۸۰ میلیون فرصت شغلی جدید برای فائق آمدن بر شکاف ناشی از بحران لازم است. بیش از همه، بیکاری بر جوانان، به خصوص زنان جوان تاثیر

است.

طی چند سال اخیر، میزان مشاغل دائمی برای نیروی کار با مهارت متوسط، کاهش داشته است. این روند در حالی اتفاق می افتد که همزمان تقاضا برای مشاغل با مهارت های پائین تر و بالاتر افزایش یافته است. به عبارت دیگر کارگران آموزش دیده (نیروی کار نیمه‌ماهر) به طور روز افزونی به کار در مشاغل با مهارت پائین مجبور شده اند. این تغییر در وضعیت کاری، الگوی اشتغال را تغییر داده و یکی از عواملی است که گسترش شکاف درآمدی طی دو دهه گذشته را شکل داده است.

افزایش نابرابری موجب کاهش اعتماد به دولت ها شده است. به ویژه در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا میزان اعتماد به دولت به سرعت تحلیل می رود. با این حال، این روند در اقتصاد های پیشرفته، شرق آسیا و امریکای لاتین نیز دیده می شود. دامنه این عدم اعتماد، به ویژه اگر با رکود یا کاهش درآمد همراه شود، می تواند به نا آرامی های اجتماعی گسترش یابد. طبق یافته های این پژوهش، نا آرامی های اجتماعی هم زمان با افزایش بیکاری، افزایش می یابد. نا آرامی های اجتماعی تا پیش از بحران جهانی رو به کاهش داشته است؛ در حالی که از زمان بروز بحران مالی به بعد رو به افزایش نهاده است. کشورهایی که با بیکاری فزاینده جوانان روبرو هستند، در مقابل این تنش های اجتماعی آسیب پذیرترند.

امکان بهبود دورنمای شرایط اجتماعی و اشتغال

این تصویر آشفته تنها با مبارزه با نقاط ضعف ساختاری قابل تغییر است. همان گونه که در تحلیل های سازمان جهانی کار تاکید شده، تقاضای کل و سرمایه گذاری بنگاه ها باید از طریق طراحی و اعمال سیاست های مناسب افزایش اشتغال و درآمد و اجرای برنامه های اجتماعی تقویت شود. نظام بانکی در جهت حمایت از اقتصاد واقعی، به خصوص بنگاه های کوچک، باید مورد بازنگری قرار گیرد. با نقاط ضعف منطقه یورو بایستی به نحو جدی برخورد شود و از طریق برنامه ریزی دقیق سیاست های مالیاتی و بازار کار با گسترش نابرابری مقابله گردد.

از طریق رویارویی با شرایط شکننده اشتغال، به خصوص بیکاری گسترده جوانان، بیکاری بلند مدت و جلوگیری از خروج زنان از بازار کار، می توان با نابرابری اجتماعی مبارزه کرد. اجرای

اخیر در مناطقی چون جنوب صحرای آفریقا، شرایط اشتغال به هیچ وجه بهتر نشده است. در بسیاری از این کشورها میزان بیکاری و اشتغال غیر رسمی، طی پنج سال آینده به شدت بالا خواهد رفت. ادامه سقوط چشمگیر بهای نفت طی سال ۲۰۱۵، احتمالاً بهبودی در دورنمای اشتغال در کشورهای وارد کننده نفت را در پی خواهد داشت اما کاهش قیمت جهانی نفت تاثیر به سزایی در رونق اقتصادی به شدت شکننده کنونی نخواهد داشت؛ در عین حال شرایط کشورهای صادر کننده نفت را بدتر خواهد کرد.

در کشورهای در حال توسعه، وضعیت مشاغل آسیب پذیر راکد باقی مانده است. با گسترش مشاغل غیررسمی و ناامن، طی دو سال آینده، این گونه مشاغل حدود ۴۵ درصد کل شاغلین را در بر می گیرد که کاملاً در تضاد با روند تحولات شرایط کار در دوره پیش از بحران است. از سال ۲۰۱۲، تعداد شاغلین در مشاغل آسیب پذیر ۲۷ میلیون نفر افزایش یافته و در حال حاضر ۱/۴۴ میلیارد نفر رادر سراسر جهان در بر می گیرد. بیش از پنجاه درصد از اشتغال آسیب پذیر مربوط به جنوب صحرای آفریقا و جنوب آسیاست، به طوری که در این مناطق از هر چهار نفر، سه نفر در مشاغل آسیب پذیر مشغول به کارند. به همین ترتیب نیز روند کاهش فقر کارگری رو به افول نهاده است. پیش بینی می شود که در پایان این دهه، یک نفر از هر ۱۴ کارگر در شرایط فقر مفرط بسر برد.

نابرابری در آمد گسترش یافته و موجب تاخیر در بهبود اشتغال و اقتصاد است

در کشورهایی که امکان جمع آوری داده ها وجود دارد، به طور میانگین، ۱۰ درصد ثروتمندترین افراد ۴۰-۳۰ درصد از کل درآمد را به خود اختصاص می دهند. در مقابل، ۲ درصد از کل درآمد، سهم ۱۰ درصد فقیرترین افراد است.

پس از بروز بحران مالی جهانی، در برخی اقتصاد های پیشرفته، در مناطقی که به طور تاریخی نابرابری بسیار کمتر از کشورهای در حال توسعه بوده، به طور فزاینده ای بر میزان نابرابری درآمدی افزوده شده و در بعضی موارد نابرابری درآمد به سطح اقتصادهای نوظهور می رسد. در اقتصادهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه نیز، با اینکه در کل نابرابری کاهش داشته، اما همچنان بالا بوده و روند تعدیل نابرابری درآمد به طور قابل ملاحظه ای کند شده

فراگیر اصلاحات بازار کار نیز به نوبه خود موجب افزایش مشارکت، بهبود کیفیت کار و ارتقاء سطح مهارت نیروی کار خواهد شد.

اشتغال جهانی و توسعه اجتماعی

مقدمه

شش سال پس از آغاز بحران اقتصادی و مالی، اقتصاد جهانی وارد فاز رشدی بطئی شده است. رشد اقتصاد جهانی به میزان چشمگیری کمتر از دوره پیش از بحران بوده و کند تر از آن است که بتواند بر شکاف حاصل از بحران فائق آید. روند نزولی فعالیت های اقتصادی به ویژه در اروپای مرکزی و شرقی، کشورهای مستقل مشترک المنافع، شرق آسیا، جنوب شرقی آسیا و حوزه اقیانوس آرام، امریکای لاتین و دریای کارائیب، جنوب آسیا، خاورمیانه و شمال آفریقا مشاهده می شود. اگرچه رشد اقتصادی در برخی اقتصاد های پیشرفته و جنوب آسیا، خاور میانه و کشورهای جنوب صحرای آفریقا تا حدی تسریع شده، اما برای غلبه بر روند کاهش فعالیت ها در سایر نقاط جهان کافی نیست.

این روند باعث تشدید آسیب پذیری شده و در عین حال موجب دشوارتر شدن امکان بازگشت شرایط اشتغال و بیکاری به سطح پیش از بحران گردیده است. بر اساس برآوردهای صندوق بین المللی پول، طی دو سال آتی، رشد اقتصاد جهانی به دلیل کاهش قیمت نفت و بهبود نسبی شرایط مالی در برخی اقتصادهای پیشرفته تسریع خواهد شد. اما حتی اگر این برآورد ها به واقعیت بپیوندد، به نظر نمی رسد که با ادامه سیاست های کنونی، شکاف اشتغال به طور قابل ملاحظه ای کاهش یابد. تاکنون بهبود شرایط اقتصادی مرهون سرعت یافتن رشد اقتصادی در جنوب صحرای آفریقا و جنوب آسیا و چند اقتصاد پیشرفته بوده است اما به دلیل عدم استمرار افزایش تقاضای کل، آسیب پذیری ساختاری مسائل ژئوپلیتیک، عدم توازن در بازارهای مالی، تداوم رکود در منطقه یورو، افزایش نابرابری و کاهش رشد نیروی کار، این روند بسیار شکننده خواهد بود.

این پژوهش به ارزیابی تحولات اشتغال و بررسی فشار اجتماعی ناشی از سیر نزولی اقتصاد جهانی پرداخته و نتایج اقتصادی - اجتماعی بحران مالی را که از سال ۲۰۰۸ آغاز شده و موجب به درازا کشیدن آشفتنگی های اقتصادی در جهان گردیده، مورد بررسی قرار می دهد.

الف - روند بازار کار

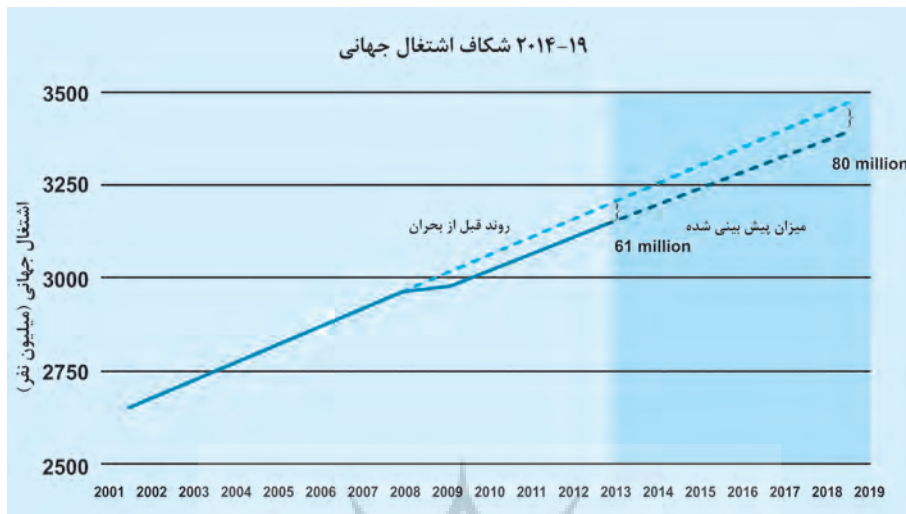
اقتصاد جهانی از دستیابی به سطح تولید پیش از بحران فرومانده و ایجاد اشتغال هنوز به میزانی که بتواند شکاف حاصل از بحران را پر کند، نرسیده است. تعداد شاغلین در سال ۲۰۱۴ حدود ۶۱ میلیون نفر کمتر از تعدادی است که می توانستند در صورت عدم وقوع بحران کار پیدا کنند. کمبود شغل خود را به صورت نرخ مشارکت پائین تر نیروی کار نشان می دهد چرا که مردم بسیاری از بازار کار رانده شده اند.

بین سال های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۷، اشتغال جهانی بطور میانگین سالانه ۱/۷ درصد رشد داشته است. از زمان بروز بحران، این نرخ کاهش یافته و در فاصله ی سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ به ۱/۲ درصد رسیده است. بر اساس روند فعلی به دلیل افزایش نیروی کار، بیکاری ادامه خواهد یافت. انتظار می رود که در میان مدت میزان رشد فرصت های شغلی تغییر نداشته باشد. در نتیجه گسترش شکاف اشتغال به بیش از ۸۲ میلیون شغل تا سال ۲۰۱۹ خواهد انجامید. اگر نیروی کار تازه وارد نیز به حساب آید، تا پنج سال آینده بیش از ۲۸۰ میلیون شغل جدید لازم است تا بتوان بر شکاف اشتغال جهانی فائق آمد (نمودار ۱).

تعداد جویندگان کار بالغ بر ۲۰۱ میلیون نفر شده و در سال گذشته بیش از یک میلیون نفر به شمار بیکاران افزوده شده است

در سال ۲۰۱۴ میزان بیکاری به ۲۰/۳ میلیون نفر رسیده که در مقایسه با سال قبل ۱/۲ میلیون نفر و در

نمودار ۱: شکاف اشتغال جهانی، سال های ۲۰۱۹-۲۰۱۴



منبع: ILO؛ روند مدل های اکونومتریک، اکتبر ۲۰۱۴

مقایسه با سال ۲۰۰۷، ۳۱ میلیون نفر افزایش نشان می دهد. در سال ۲۰۱۴ حدود ۵/۹ درصد از نیروی کار، فاقد شغل بوده اند. در برخی کشورهای شمال آفریقا، جنوب صحرای آفریقا و خاورمیانه معضل نرخ بالای بیکاری همچنان پابرجاست و این نرخ حتی به ۳۰ درصد نیز می رسد. کشورهای جنوب اروپا هم نتوانسته اند به کاهش قابل ملاحظه ای در نرخ بیکاری دست یابند و تنها در چند ماه اخیر در ایجاد فرصت های شغلی جدید موفقیت محدودی داشته اند. از طرف دیگر، کشورهای آسیایی، به ویژه کشورهای جنوب شرقی آسیا و حوزه اقیانوس آرام، موفق به کاهش نرخ بیکاری شده اند اما انجام این امر به قیمت افزایش نرخ اشتغال غیررسمی بوده که در برخی کشورها حتی به ۸۵ درصد کل شاغلین می رسد. در میان اقتصاد های توسعه یافته، بیکاری در انگلستان و ایالات متحده بطور قابل ملاحظه و در سایر کشورهای اروپایی نیز به میزان کمتری نرخ بیکاری کاهش یافته است. در امریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب، به دلیل کند شدن رشد اقتصاد جهانی که قبلاً منجر به افزایش ایجاد اشتغال شده بود، برخی کشورها با افزایش فزاینده بیکاری مواجه گردیده اند.

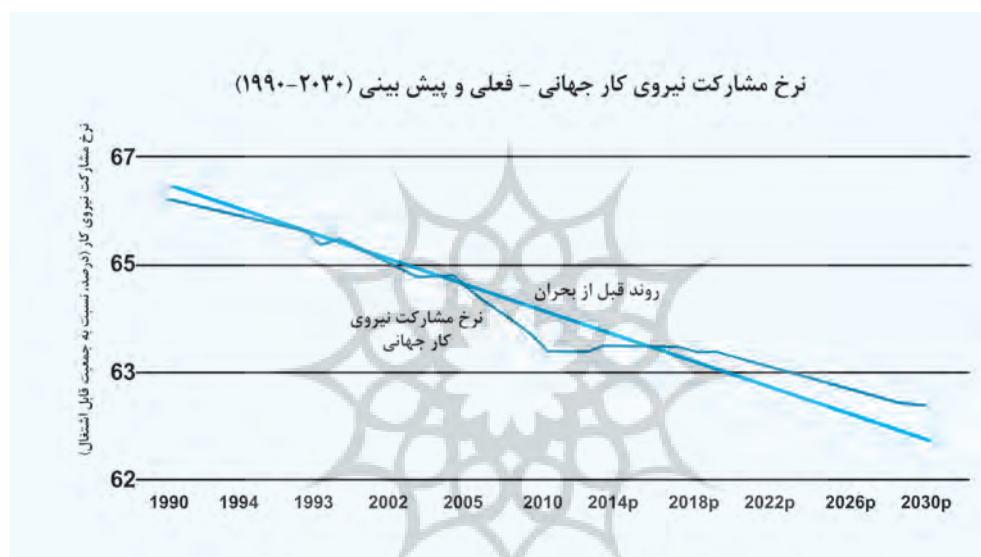
جدول ۱. تحولات بیکاری ۲۰۱۰-۲۰۰۷ (درصد)

کشور/منطقه	۲۰۰۷	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷
جهان	۵.۵	۶.۰	۵.۹	۵.۹	۵.۹	۵.۹
کشورهای عضو جی ۲۰	۵.۰	۵.۷	۵.۵	۵.۶	۵.۶	۵.۶
اقتصادهای توسعه یافته جی ۲۰	۵.۷	۸.۴	۷.۷	۷.۴	۷.۲	۷.۰
اقتصادهای نوظهور جی ۲۰	۴.۸	۴.۹	۵.۰	۵.۱	۵.۱	۵.۲
کشورهای توسعه یافته و اتحادیه اروپا	۵.۸	۸.۵	۷.۸	۷.۵	۷.۳	۷.۱
استرالیا	۴.۴	۵.۷	۶.۰	۵.۹	۵.۷	۵.۶
کانادا	۶.۰	۷.۱	۶.۹	۶.۷	۶.۶	۶.۶
ژاپن	۳.۹	۴.۰	۳.۷	۳.۶	۳.۶	۳.۷
ایالات متحده آمریکا	۴.۷	۷.۴	۶.۲	۵.۹	۵.۵	۵.۲
اتحادیه اروپا	۷.۲	۱۰.۹	۱۰.۲	۹.۹	۹.۷	۹.۵
فرانسه	۸.۰	۱۰.۴	۹.۹	۱۰.۰	۱۰.۰	۹.۹
آلمان	۸.۶	۵.۳	۵.۰	۴.۷	۴.۹	۵.۰
ایتالیا	۶.۰	۱۲.۲	۱۲.۵	۱۲.۶	۱۲.۵	۱۲.۳
انگلستان	۵.۴	۷.۵	۶.۳	۵.۹	۵.۷	۵.۵
اروپای شرقی و مرکزی و کشورهای منطقه CIS	۸.۲	۷.۸	۷.۷	۷.۸	۷.۸	۷.۸
فدراسیون روسیه	۶.۰	۵.۵	۵.۱	۵.۳	۵.۴	۵.۴
ترکیه	۱۰.۳	۹.۷	۹.۲	۹.۲	۸.۹	۹.۰
خاورمیانه	۱۰.۲	۱۰.۹	۱۱.۰	۱۱.۰	۱۰.۹	۱۰.۸
شمال آفریقا	۱۱.۴	۱۲.۴	۱۲.۵	۱۲.۵	۱۲.۵	۱۲.۵
آفریقای جنوب صحرا	۷.۸	۷.۷	۷.۷	۷.۷	۷.۷	۷.۷
جنوب آفریقا	۲۲.۳	۲۴.۶	۲۵.۱	۲۵.۰	۲۴.۹	۲۴.۸
آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب	۶.۹	۶.۳	۶.۶	۶.۸	۶.۹	۶.۸
برزیل	۸.۱	۶.۵	۶.۸	۷.۱	۷.۳	۷.۳
مکزیک	۳.۴	۴.۹	۴.۹	۴.۸	۴.۵	۴.۳
شرق آسیا	۳.۸	۴.۵	۴.۶	۴.۸	۴.۹	۴.۹
کره جنوبی	۳.۲	۳.۱	۳.۵	۳.۵	۳.۵	۳.۵
آسیای جنوب شرقی و حوزه اقیانوس آرام	۵.۵	۴.۳	۴.۳	۴.۳	۴.۲	۴.۲
اندونزی	۹.۱	۶.۲	۶.۲	۶.۱	۵.۹	۵.۸
جنوب آسیا	۴.۰	۳.۹	۳.۹	۳.۹	۴.۰	۴.۰

نرخ مشارکت پائین

نرخ مشارکت نیروی کار طی دهه گذشته کاهش شدیدی داشته اما در سراسر جهان تا سال ۲۰۱۳ در حدود ۶۳/۵ درصد تثبیت شده است. باین حال هنوز ۰/۷ درصد کمتر از نرخ سال ۲۰۰۷ بوده و بازتاب دهنده آن است که بیش از ۳۷ میلیون کارگر بالقوه از بازار کار جهانی خارج شده اند. روند نزولی نرخ مشارکت در بلند مدت نیز تداوم خواهد داشت و تا سال ۲۰۳۰ نرخ مشارکت به کم تر از ۶۳ درصد از کل جمعیت در سنین کار خواهد رسید. کاهش مشارکت نیروی کار به کاهش رشد بالقوه اقتصاد های آسیب پذیر منجر خواهد شد.

نمودار ۲: نرخ مشارکت نیروی کار (وضعیت کنونی و پیش بینی آینده)



منبع: روند مدل های اکونومتری، ILO، اکتبر ۲۰۱۴

سقوط نرخ های مشارکت، بازتابی از تغییرات جمعیتی و تأثیرات دلسرد کننده ناشی از تداوم بحران است. در اقتصادهای توسعه یافته و اتحادیه اروپا، به دلیل فقدان دورنمایی روشن برای جوانان در یافتن کار، نرخ مشارکت همچنان کاهش می یابد. اما در اقتصادهای نوظهور به ویژه کشورهای جنوب آسیا، کاهش نرخ مشارکت در نتیجه افزایش سطح آموزش است. کاهش نرخ مشارکت زنان در جنوب آسیا به دلایل اثرات درآمدی صورت گرفته است.

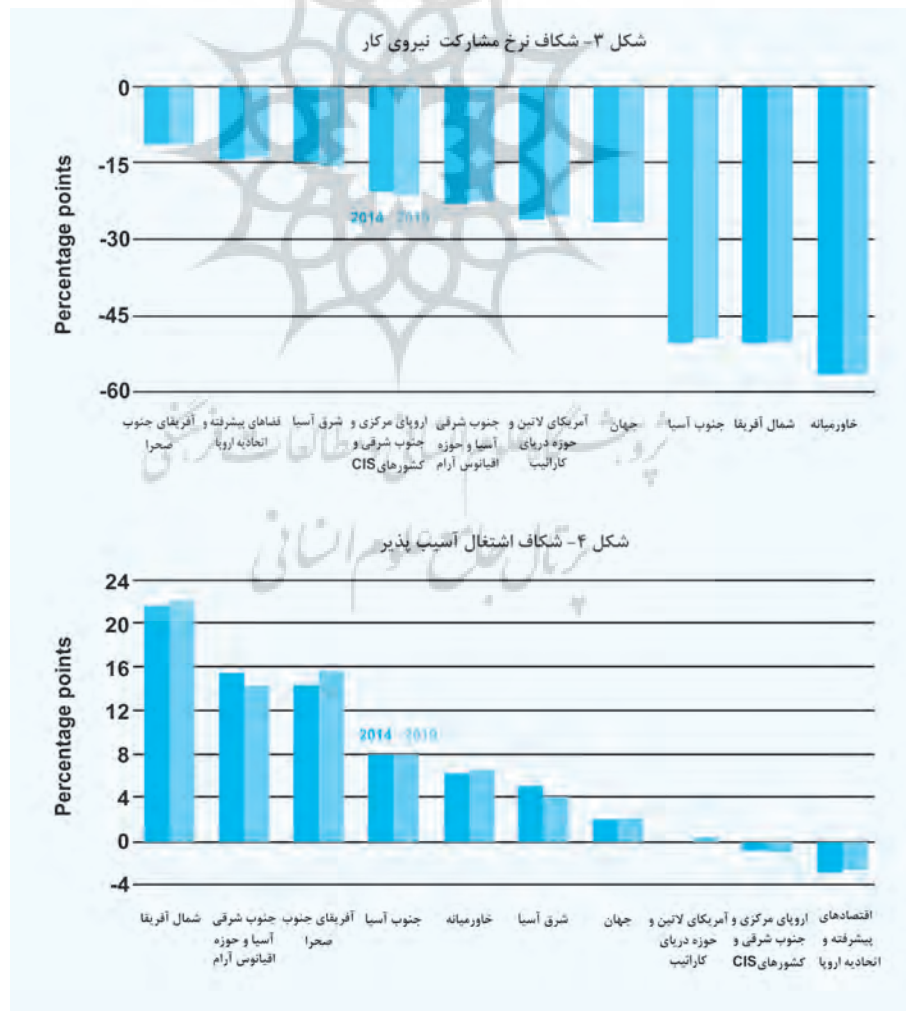
بیکاری جوانان کماکان معضلی جهانی است

جوانان (۲۴ - ۱۵ سال) به شدت از بحران صدمه دیده اند. نرخ بیکاری جوانان در سال ۲۰۱۴ به ۱۳ درصد رسیده که تقریباً سه برابر نرخ بیکاری بزرگسالان است. اگرچه در برخی مناطق به ویژه در شرق آسیا و امریکای لاتین، تعداد جوانانی که امروزه وارد بازار کار می شوند کمتر از انبوه جوانانی است که سابقاً به بازار کار وارد می شدند؛ اما معضل یافتن کار برای جوانان همچنان پابرجاست.

علی‌رغم بهبود قابل ملاحظه سطح آموزش در میان جوانان، کماکان مشکل یافتن کار ادامه دارد. بین کشورهایی که امکان جمع آوری داده ها وجود دارد، سهم جوانان دارای مدرک دانشگاهی در نیروی کار از سال ۲۰۰۷ در ۲۶ کشور از

۳۰ کشور افزایش داشته است. با این حال نرخ بیکاری جوانان دارای تحصیلات دانشگاهی از زمان آغاز بحران در ۱۶ کشور از ۱۸ کشور مورد بررسی افزایش داشته است. انتظار می‌رود حتی کشورهایی که در حال حاضر نرخ بیکاری کمتر از متوسط جهانی دارند، با افزایش شدید بیکاری جوانان روبرو شوند. نرخ بیکاری جهانی جوانان در سال ۲۰۱۵ به ۱۳/۱ درصد افزایش یافته و تا سال ۲۰۱۸ بدون تغییر باقی خواهد ماند. بیشترین افزایش در سال ۲۰۱۵ مربوط به شرق آسیا و خاورمیانه بوده و پیش بینی می‌شود این روند طی سالهای آتی تداوم یابد. در مقابل، حتی در کشورهایی که به شدت از بحران صدمه دیده اند، امکان گذران زندگی برای افراد میانسال فراهم بوده و نرخ بیکاری برای این گروه ثابت باقی مانده است. برخلاف دوره های رکودی گذشته، که کارگران میانسال مجبور به بازنشستگی پیش از موعد می‌شدند، این بار بنگاه ها ترجیح داده اند که کارگران مجرب به کار ادامه دهند. اگرچه شواهد نشان می‌دهد کارگران میانسالی که کار خود را از دست داده اند، همواره با مشکلات بیشتری برای یافتن شغل جدید روبرو می‌شوند.

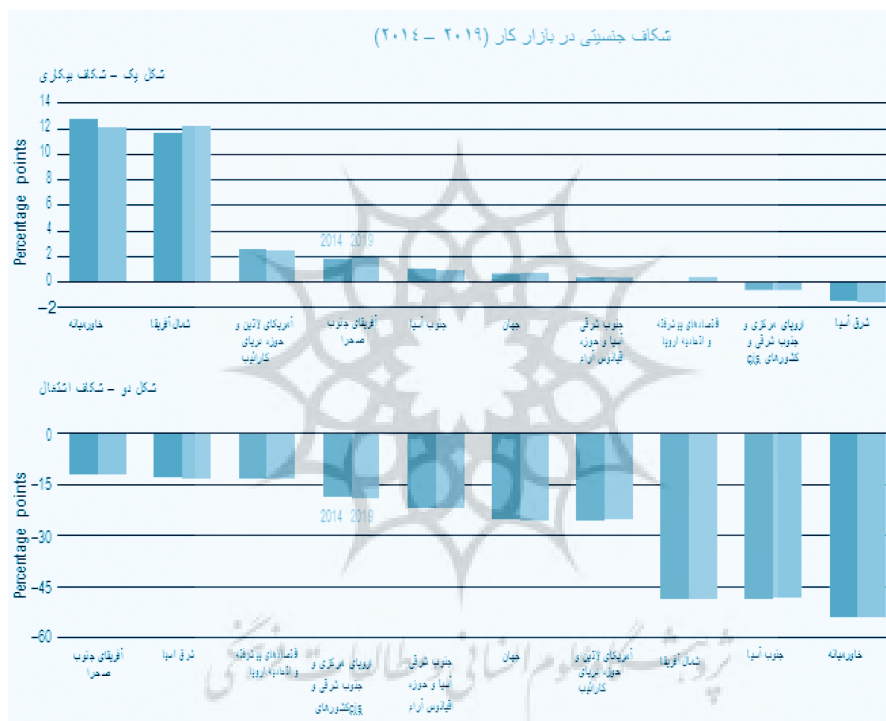
نمودار ۳: اثر شکاف جنسیتی در اشتغال و میزان مشارکت



تشدید شکاف جنسیتی در بازار کار

در آغاز بحران، شکاف جنسیتی در میان بیکاران در سطح متوسطی قرار داشت چرا که مشاغل از دست رفته مربوط به صنایعی بود که مردان سهم بالاتری در کل اشتغال این دسته از صنایع داشتند. سپس بهبود وضعیت اشتغال، بیشتر در بخش هایی بروز کرد که بر کار مردان استوار بود (بخش ساختمان)، لذا شکاف جنسیتی در بازار کار مجدداً تعمیق شد. در مجموع زنان بیش از مردان با نرخ بالای بیکاری مواجه بوده و از نرخ اشتغال پائین تری برخوردارند. مشارکت کمتری در نیروی کار داشته و با ریسک بالای اشتغال آسیب پذیر (مانند خود اشتغالی و یا اشتغال به عنوان کارگر خانگی) روبرو هستند.

نمودار ۴: اثر شکاف جنسیتی در اشتغال و میزان مشارکت



به علاوه، شکاف جنسیتی شامل تفاوت جدی در درآمد و پیشرفت اقتصادی نیز هست. مطالعات سازمان جهانی کار (۲۰۱۴) نشان می دهد در کشورهایی که بالاترین شکاف جنسیتی را دارند، حدود ۳۰ درصد سرانه تولید ناخالص ملی در اثر شکاف جنسیتی در اشتغال و میزان مشارکت از دست می رود.

ایجاد شغل در سال های آتی بیشتر در بخش خدمات خواهد بود

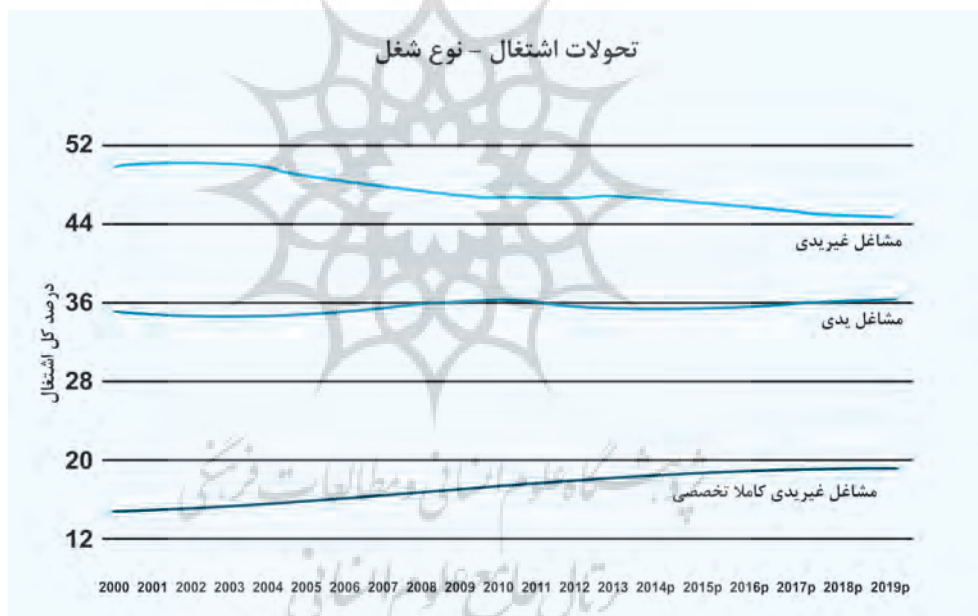
حجم بزرگی از مشاغل جدید در بخش خدمات ایجاد می شود. فعالیت های خدماتی بخش خصوصی پنج سال آینده می تواند یک سوم نیروی کار جهان را به خود اختصاص دهد. خدمات بهداشتی و آموزشی و اداری دولتی افزایش کمتری خواهند داشت و تا ۱۲ درصد کل اشتغال را شامل خواهد شد. در مقابل، سهم بخش صنعت در کل اشتغال جهان در حدود ۲۲ درصد تثبیت خواهد شد که بیشتر بر مبنای افزایش اشتغال در بخش ساختمان است. بخش صنعت تولیدی کماکان از دست رفتن فرصت های شغلی را تجربه خواهد کرد.

اقتصاد های پیشرفته بالاترین سهم را در مشاغل صنعتی دارند اما روند کنونی باعث خواهد شد سهم اشتغال در این بخش تا سال ۲۰۱۹ به کمتر از ۱۲ درصد برسد. سهم اشتغال صنعتی در برخی اقتصادهای نوظهور نیز کاهش داشته، اگر چه میزان اشتغال صنعتی در این کشورها هنوز به اقتصادهای پیشرفته نرسیده است. علی‌رغم جایگاه بسیار مهم بخش صنعت در تغییر ساختار اقتصادی به ویژه در اقتصاد های نوظهور، به نظر نمی رسد بهبودی در وضعیت اشتغال صنعتی این کشورها صورت پذیرد. لذا بخش خدمات پویاترین بخش اشتغال طی پنج سال آتی خواهد بود.

رشد فزاینده مشاغل با مهارت بالا

مشاغل با مهارت پائین و کارهای یدی بیش از ۴۵ درصد کل مشاغل جهان را تشکیل می دهد. سهم مشاغل با مهارت متوسط ۳۷ درصد است. در عین حال سهم مشاغل با مهارت بالا به طور روزافزونی رو به افزایش است و در حال حاضر بیش از ۱۸ درصد اشتغال را به خود اختصاص داده است.

نمودار ۵: تحولات انواع اشتغال



منبع: روندمدل های اکونومتری، ILO، اکتبر ۲۰۱۴

با وجود اختلافات قابل ملاحظه در مناطق مختلف جهان، این روند همچنان ادامه دارد. مشاغل با سطح متوسط مهارت در اقتصاد های پیشرفته رو به کاهش داشته و به‌طورعمده کارهای با مهارت پائین جانشین آن شده است. تفاوت در سهم مشاغل با مهارت بالا در مناطق مختلف بسیار شدید است؛ این نرخ در جنوب صحرای آفریقا زیر ۱۰ درصد و در اقتصاد های توسعه یافته به ۴۰ درصد کل مشاغل می رسد. از دست رفتن مشاغل با مهارت متوسط در اقتصادهای پیشرفته یکی از عواملی است که موجب افزایش نابرابری در این مناطق شده است.

عدم افزایش دستمزدها

نرخ رشد دستمزد جهانی بهبود نیافته و هنوز به نرخ پیش از بحران نرسیده و در سال گذشته این نرخ کاهش نیز داشته است. در شرایط کنونی، به دلیل عدم ایجاد فرصت های شغلی، هیچ‌گونه فشاری بر کارفرمایان برای افزایش دستمزد وجود ندارد. در چند کشور از جمله یونان، اسپانیا و انگلستان، دستمزد به‌شدت کاهش یافته است. غیر از سال ۲۰۰۹، عموماً رشد دستمزدها در اقتصادهای پیشرفته کم تر از رشد بهره وری بوده است. رشد پائین مزد تا حدودی کاهش توان سودآوری بنگاه‌ها را جبران کرده است.

جدول ۲. متوسط نرخ رشد مزد و بهره وری (۱۰۷ کشور)

۲۰۰۹-۱۳	۲۰۰۸-۰۹	۲۰۰۰-۰۸	
۲	۱,۹	۲,۳	رشد مزد
۲,۶	-۰,۶	۲,۵	رشد بهره وری

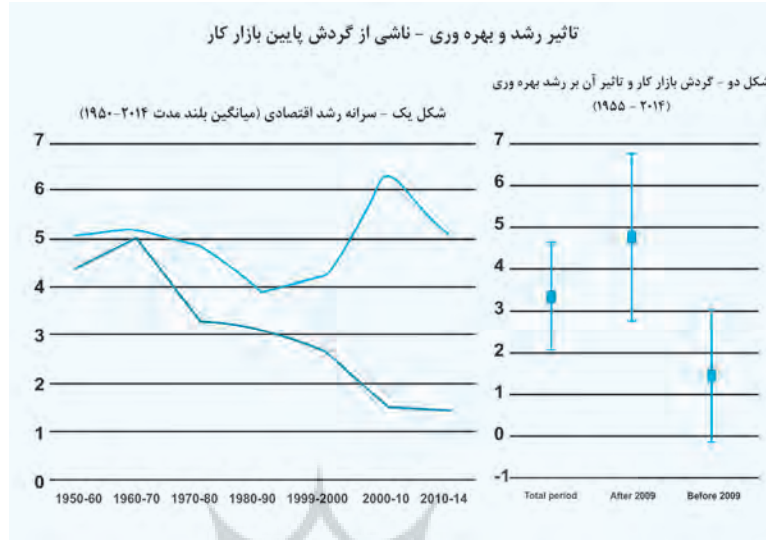
منبع: سازمان جهانی کار.

ترکیب کاهش اشتغال و افزایش اندک دستمزد، موجب کاهش بلندمدت سهم درآمد نیروی کار در بسیاری از کشورها شده است. کاهش درآمد خانوارها خود منجر به کاهش تقاضای کل می‌گردد و در نتیجه، چرخه روند کند رشد اقتصادی در کشورها ادامه داشته و بطور بالقوه باعث تشدید رکود، به ویژه در اروپا و ژاپن می‌شود.

رشد بهره وری کند شده و نرخ سرمایه‌گذاری بسیار پائین آمده است

بر اساس روندی که طی چند دهه گذشته مورد مطالعه قرار گرفته، میزان رشد بهره وری هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه کاهش یافته است. یکی از عوامل موثر در بهره وری، کند شدن آهنگ جا به جایی نیروی کار بین بنگاه‌ها و صنایع مختلف بوده است (نمودار ۶). به علاوه کاهش چشمگیر رشد فرصت های شغلی طی بحران اخیر، که هنوز به طور کامل بهبود نیافته، تاثیر جدی بر رشد بهره وری داشته است.

نمودار ۶: جابجایی در بازار کار و تاثیر آن بر رشد و بهره وری



منبع: روندمدل های اکونومتری، ILO، اکتبر ۲۰۱۴

این تاثیر هنگامی آشکار تر می شود که با دوره پیش از بحران مورد مقایسه قرار گیرد. کسش بالای رشد بهره وری نسبت به جا به جایی نیروی کار پس از بحران، نمایانگر کاهش شدید گردش نیروی کار در مشاغل و صنایع مختلف از سال ۲۰۰۹ بوده و اثر منفی بر رشد بهره وری داشته است. در گذشته، جابه جایی نیروی کار در بین مشاغل، پس از دوره های بحران، نقش مهمی در بازسازی اقتصادی ایفا می کرد و به انتقال منابع به سوی فعالیت هایی با کارایی بیشتر یاری می رساند. از آن جا که وضعیت اشتغال بهبود نیافته، اصلاح ساختاری و انتقال منابع به سوی فعالیت های با کارایی بیشتر بروز نکرده است. علاوه بر آن، شوک شدید ناشی از بحران نیز سهم فعالیت های سودآور «کارا» را کاهش داده و به تغییرات ساختاری بیش از حد «ناکارآمد» انجامیده است. همان گونه که ذکر شد، تحولات تکنولوژیک، منجر به توسعه اشتغال در بخش های با مهارت بالا می گردد که عموماً با جا به جایی کم تر نیروی کار همراه است. به نظر می رسد که اصلاحات ساختاری همچنان ادامه یابد؛ ولی آثار آن بر بهره وری انعکاس نمی یابد؛ زیرا تاثیر بخش بزرگی از نیروی کار ماهر بر رشد بهره وری انعکاس نیافته است. بنابراین در حال حاضر اثر منفی کاهش جا به جایی نیروی کار بر بهره وری تداوم می یابد.

علاوه بر این از آغاز بحران تاکنون، رشد بهره وری بطور قابل ملاحظه ای تحت تاثیر کاهش شدید سرمایه گذاری قرار گرفته است، اگرچه سودآوری بنگاه ها در این دوره رو به بهبود بوده است. رشد سرمایه گذاری واقعی و رشد فرصت های شغلی به شدت بهم پیوسته بوده و افزایش ظرفیت و جایگزینی ماشین آلات جدید به جای ماشین آلات فرسوده در بنگاه ها، امکان ایجاد اشتغال جدید را فراهم می کند. علاوه بر تقاضای کل ناکافی و عدم اطمینانی نسبت به افزایش تقاضا، محدودیت دسترسی به اعتبارات، بهبود سرمایه گذاری در بخش خصوصی را به تعویق می اندازد (به ویژه بنگاه های کوچک و متوسط و به خصوص در اروپا). افزایش کاهش اطمینان نسبت به هزینه تولید (مانند نفت)، میزان تغییرات قیمت ها و نرخ ارز و سایر موارد، توان بنگاه ها را در یافتن فعالیت های سود آور و افزایش تولید و اشتغال محدود می کند. روند نزولی سرمایه گذاری کنونی اثرات منفی بلند مدت هم بر بهره وری و هم بر اشتغال دارد.

بیکاری در آینده نیز تحت تأثیر بی‌ثباتی‌های ناشی از بحران و روند کند بهبود اقتصادی خواهد بود

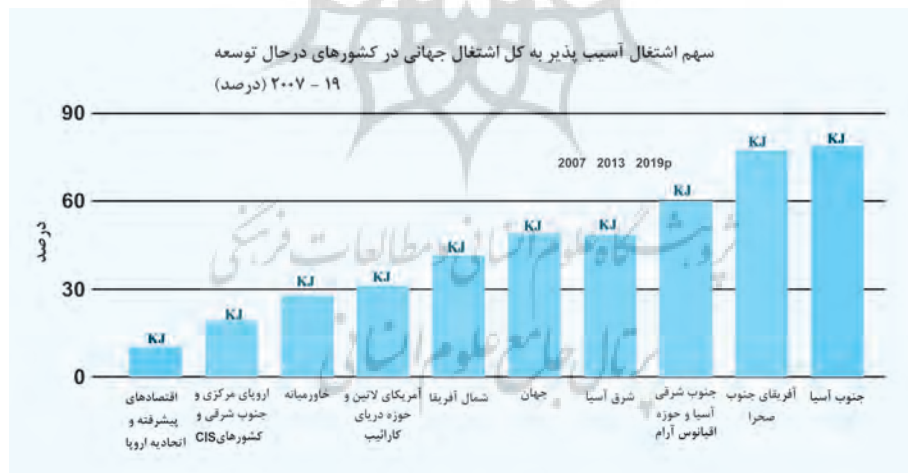
تغییرات آتی در نرخ بیکاری تحت تأثیر تضعیف یا تسریع آهنگ رشد اقتصادی در گذشته است. اگر چه ارتباط میان آهنگ رشد تولید و اشتغال در کشورهای در حال توسعه، در مقایسه با کشورهای صنعتی، ضعیف‌تر است. در کشورهای در حال توسعه، رشد تولید حساسیت بیشتری نسبت به قیمت کالاها دارد در حالی که چنین حساسیتی نسبت به عملکرد بازار کار ندارد. در این کشورها کاهش رشد اقتصادی تأثیر شدیدی بر بیکاری دارد، در حالیکه افزایش آهنگ رشد تولید بر بیکاری اثر بسیار محدودی دارد.

ب- روند توسعه اجتماعی

اشتغال آسیب پذیر به آرامی کاهش می‌یابد

اشتغال آسیب پذیر- خود اشتغالی و کار در مشاغل خانگی نوعاً از مشاغل پرمخاطره هستند. با این حال در تمام مناطق به‌کندی رو به کاهش دارند و در مناطق مختلف آسیا و خاورمیانه این کاهش مشهودتر است. بیش از نیمی از جمعیت شاغل جهان همچنان با اشتغال آسیب پذیر رو در رو هستند و بیش از همه زنان از دستیابی به نیازهای اولیه و کار شایسته محرومند. جنوب آسیا و آفریقای جنوب صحرا بالاترین نرخ مشاغل آسیب پذیر در سطح جهان را به خود اختصاص داده‌اند. این نرخ در هر دو منطقه در سال ۲۰۱۳ بیش از ۷۵ درصد بوده است. شرق آسیا بیشترین پیشرفت را در کاهش مشاغل آسیب پذیر داشته و این نرخ از ۴۹/۵ درصد در سال ۲۰۰۷ به ۳۸/۱ درصد در سال ۲۰۱۹ خواهد رسید (نمودار ۷).

نمودار ۷: سهم اشتغال آسیب پذیر در کل اشتغال در کشورهای در حال توسعه (۲۰۱۹-۲۰۰۷)



منبع: روند مدل‌های اکونومتری، ILO، اکتبر ۲۰۱۴

طبقه متوسط در کشورهای در حال توسعه رو به رشد است

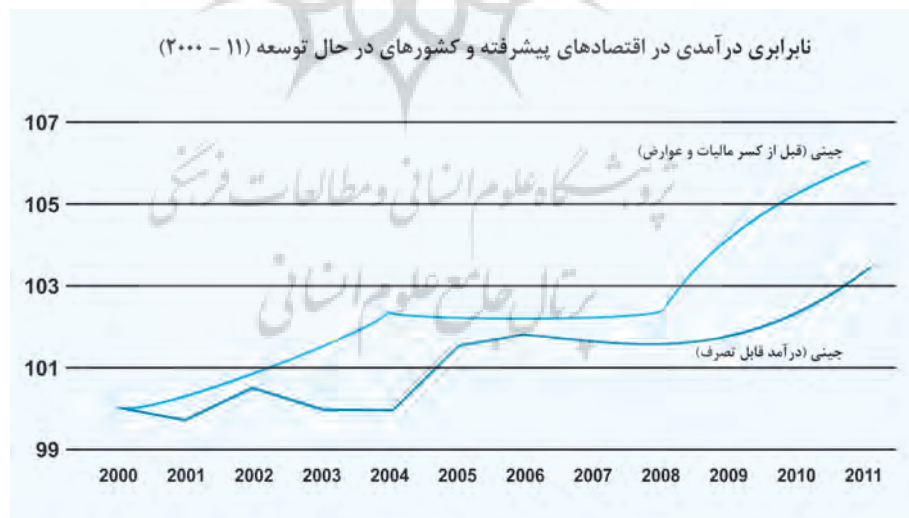
کاهش مشاغل آسیب پذیر عامل اساسی در رهایی کارگران و خانوارها از فقر و ورود به طبقه متوسط است. در اقتصادهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه، طبقه متوسط بیش از ۳۴ درصد از کل شاغلین را تشکیل می‌دهد. ۱۲ درصد کل شاغلین درآمدی بیش از حد متوسط را در این کشورها داشته و از سبد مصرف مشابه

با کارگران طبقه متوسط در اقتصاد های پیشرفته برخوردارند. با وجود کند شدن رشد اقتصاد جهان، انتظار می رود که در میان مدت کاهش فقر کارگران با آهنگی کند و گسترش طبقه متوسط به آرامی تداوم یابد. اگرچه سهم تعداد شاغلین طبقه متوسط و یا طبقه متوسط رو به بالا در کشورهای در حال توسعه رو به افزایش است اما هنوز سهم آنان در کل جمعیت بسیار محدود است و به همین دلیل نمی تواند اثر قابل توجهی در افزایش تقاضای کل در اقتصاد جهانی و تقاضا برای کالاهای تولیدی در اقتصادهای پیشرفته داشته باشد.

و نابرابری در آمدی رو به افزایش است

علیرغم کاهش فقر کارگری و اشتغال آسیب پذیر در کشورهای در حال توسعه، نابرابری درآمدی در سراسر جهان تعمیق شده است. در برخی اقتصاد های پیشرفته، که از لحاظ تاریخی میزان نابرابری بسیار کمتر از کشورهای در حال توسعه بوده است، از زمان آغاز بحران به سرعت بر نابرابری درآمدی افزوده شده و شرایط بدتر می شود. حتی در بعضی اقتصاد های پیشرفته میزان نابرابری درآمدی به سطح اقتصاد های نوظهور رسیده است، هرچند این کشورها خود پیشرفت هایی در کاهش نابرابری داشته اند. همزمان با کاهش سهم نیروی کار در کل درآمد ملی، نابرابری درآمدی بین افراد نیز رو به وخامت گذاشته است (نمودار ۸). افزایش نابرابری در سهم عوامل تولید و افزایش نابرابری در درآمد قابل تصرف (پس از کسر مالیات) طی دهه های گذشته قابل ملاحظه بوده است. با افزایش نابرابری در سهم عوامل تولید، فشار بر نظام مالیاتی، ضرورت پرداخت های انتقالی به اقشار آسیب پذیر بیشتر می شود. حتی در اقتصاد های پیشرفته با انواع سیاست گذاری های مالیاتی و پرداخت های انتقالی سخاوتمندانه نتوانسته اند از افزایش نابرابری درآمدی جلوگیری کنند.

نمودار ۸. نابرابری درآمد (۲۰۱۱-۲۰۰۰)



منبع: روندمدل های اکونومتری، ILO، اکتبر ۲۰۱۴

در سال ۲۰۱۱، ۲۵ درصد کل درآمد اقتصاد های پیشرفته را ۱۰ درصد ثروتمند ترین افراد به خود اختصاص داده اند. از آن جا که بخش بزرگی از درآمد حاصل از مزد و حقوق به افراد دارای مهارت های بالا تعلق

گرفته، به افزایش سرمایه گذاری و اشتغال منجر نشده است؛ زیرا درآمد دهک های متوسط و پائین در اکثر کشورها رکود باقی مانده یا حتی کاهش پیدا کرده و تقاضای کل آسیب دیده است. افزایش نابرابری درآمدی می تواند به کاهش نرخ رشد بلند مدت در اقتصاد های پیشرفته منجر شده و آهنگ رشد کشورهای در حال توسعه را کند کند و توان بالقوه این کشورها را برای تحقق هدف توسعه ی اقتصادی تضعیف نماید.

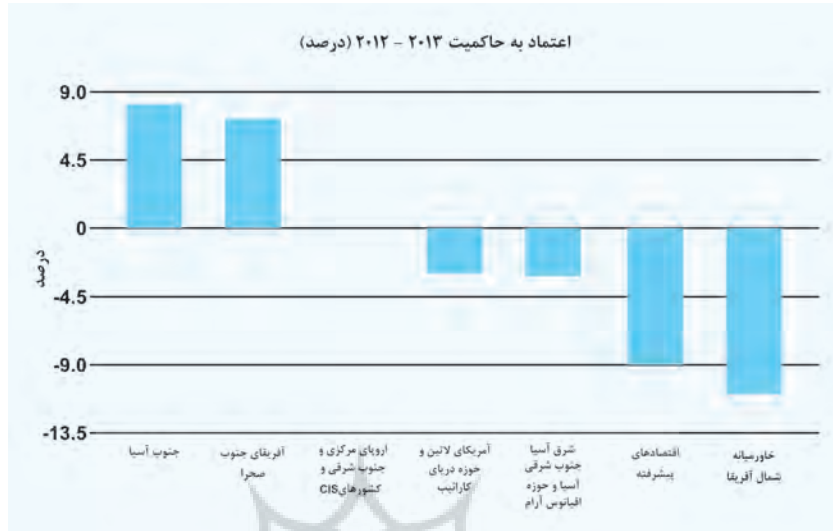
کاهش اعتماد به دولت ها و تشدید ناآرامی های اجتماعی

افزایش نابرابری به کاهش اعتماد مردم به دولت ها منجر شده است. اعتماد به دولت ها به ویژه در خاور میانه و شمال افریقا به شدت رو به کاهش نهاده اما این روند حتی در اقتصاد های پیشرفته، شرق آسیا و امریکای لاتین نیز به چشم می خورد. کاهش اعتماد در چنین ابعادی (و به ویژه با تداوم کاهش درآمدها)، می تواند به ناآرامی های بعدی منجر شود، همانگونه که خاورمیانه شاهد آن بود. و به نوبه خود بر شرایط اجتماعی، رشد تولید و اشتغال اثر گذارد.

ناآرامی های اجتماعی که طی سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ روندی نزولی داشت، پس از بحران مالی، از سال ۲۰۰۹ به بعد با افزایش نرخ بیکاری آهنگی صعودی به خود گرفت، و در حال حاضر، نسبت به قبل از بحران، ۱۰ درصد افزایش یافته است. ناآرامی های اجتماعی در خاور میانه و شمال افریقا بسیار شدید است؛ ولی در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی خارج از حوزه یورو، و کشورهای مستقل مشترک المنافع، و با شدت کمتری در جنوب آسیا رو به افزایش است.

ناآرامی های اجتماعی به ویژه در کشورهایی که میزان بیکاری مردان جوان در آنها بالا است به شدت رو به فزونی است. در حالی که چنین پیوندی در رابطه با بیکاری زنان دیده نمی شود. مردان جوان، نسبت به شرایط اقتصادی و اجتماعی و معضلاتی مانند نابرابری، دستمزد اندک و بیکاری گسترده بیشتر از زنان حساسیت نشان می دهند. هرچه دامنه گستردگی بیکاری مردان جوان بیشتر باشد، به تنش های اجتماعی نیز به سرعت افزوده می شود. زمینه این ناآرامی بیشتر در کشورهایی ایجاد می شود که جوانان تحصیل کرده امکان کسب فرصت های شغلی برایشان وجود ندارد- همان طور که در بسیاری از کشورهای خاور میانه و شمال افریقا دیده می شود. گسترش ناآرامی های اجتماعی، با شدت یابی بحران در کشورهای اروپایی که بیکاری جوانان به میزان بسیار زیادی افزایش یافته، دیده می شود (نمودار ۹). با تداوم شرایط کنونی اقتصادی و اجتماعی در جهان، به نظر نمی رسد که به سرعت بتوان بر این مشکلات فائق آمد چرا که دولت ها در به کارگیری منابع اقتصادی در جهت کاهش نارضایتی های اجتماعی، با معضلات فراوانی روبه رو هستند.

نمودار ۹. اعتماد به حاکمیت (۲۰۱۲-۲۰۱۳)



منبع: روندمدل های اکونومتری، ILO، اکتبر ۲۰۱۴

خاورمیانه و شمال آفریقا

تنش های ژئوپلیتیک موجب تداوم سیر نزولی رشد اقتصادی شده است

پیچیدگی تحولات سیاسی منطقه، چالش های امنیتی و شعله ور شدن درگیری های منطقه ای فشار مضاعفی بر دورنمای رشد اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) وارد آورده است. رشد تولید ناخالص داخلی در منطقه در حد سال ۲۰۱۴ (در حدود ۲/۶ درصد) برآورد می شود، که کمی بیش از ۲/۳ درصد ثبت شده در سال ۲۰۱۳ است. این امر نمایانگر افت قابل ملاحظه پیشرفت اقتصادی در منطقه است که بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ شاهد متوسط رشدی برابر ۵/۳ درصد بوده است. انتظار می رود که میزان رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۵ به ۳/۸ برسد که بسیار کمتر از آن است که بتواند نرخ بالای بیکاری فعلی را کاهش دهد.

حجم مصرف داخلی به مدد یارانه های دولتی کماکان موجب رشد اقتصاد های مبتنی بر واردات نفت است که در سال ۲۰۱۴ شاهد رشد متوسط ۳ درصدی و در سال ۲۰۱۵ رشد ۴ درصدی هستند. در کشورهای مصر و لبنان رشد، کمتر از میانگین منطقه و در مراکش و تونس به ترتیب ۳/۵ و ۲/۸ خواهد بود.

کاهش قیمت نفت، درگیری ها و عدم وجود امنیت، هزینه ی سنگینی بر کشورهای مختلف منطقه تحمیل می کند. اگرچه رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۴ ثابت باقی مانده (در عربستان به ۴/۶ و در قطر به ۶/۵ درصد)، اما تاثیر کاهش چشمگیر بهای نفت که از نیمه دوم سال ۲۰۱۴ آغاز شد، هنوز در تولید این کشورها انعکاس نیافته است. حتی قبل از کاهش بهای نفت نیز، خروج سرمایه از برخی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که از موقعیت ضعیف تری برخوردارند - همچون بحرین و عمان - آغاز شده بود.

کاهش بهای نفت می‌تواند موجب وخیم‌تر شدن وضعیت مالی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس گردد. سهم درآمد‌های غیر نفتی از کل درآمد دولت در این کشورها بسیار پائین است در بین پنج کشور از شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس بین ۱۰ تا ۲۰ درصد است (کشور قطر با ۴۰ درصد مستثنی می‌باشد). کاهش قیمت جهانی نفت، اثر مخربی در منابع مالی بسیاری کشورهای منطقه چون الجزایر، بحرین، ایران، عراق، لیبی و عربستان سعودی داشته و بر هزینه خدمات عمومی و اجتماعی دولت‌های منطقه اثر منفی گذاشته است. لذا تنوع بخشی به بخش‌های غیر نفتی می‌بایست تسریع شود. رشد اقتصادی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۴ به دلیل حجم بالای اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی بوده است.

بیکاری در سطح بالایی باقی خواهد ماند

بازار کار در منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا همچنان تحت تاثیر مشکل عدم ثبات سیاسی است که از سال ۲۰۱۱ این منطقه را فرا گرفته است. در سال ۲۰۱۱ نرخ بیکاری از ۱۰/۸ درصد به ۱۱/۶ درصد افزایش یافت و انتظار می‌رود که نرخ بیکاری در سال ۲۰۱۵ در حدود ۱۱،۷ درصد باقی بماند. نرخ بیکاری جوانان ۳،۷ برابر نرخ بیکاری بزرگسالان است. در سال ۲۰۱۵ نرخ بیکاری در منطقه خاور میانه و شمال آفریقا همچنان بالاترین نرخ در جهان خواهد بود و نرخ بیکاری جوانان از ۲۹،۵ درصد در سال ۲۰۱۴ به حدود ۲۹/۸ درصد در سال ۲۰۱۵ خواهد رسید. قابل ذکر است که به دلیل ورود انبوه جوانان به بازار کار، کاهش بیکاری به ویژه در میان جوانان امکان‌ناپذیر بوده است. در سال ۲۰۱۴، ۲۶/۲ درصد از جمعیت ۱۵ تا ۶۴ ساله در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله بوده‌اند. این نرخ در کل جهان معادل ۲۲/۴ درصد است.

مشارکت زنان در نیروی کار بسیار اندک است. در سال ۲۰۱۴، نرخ مشارکت زنان در این منطقه برابر با ۲۱/۷ درصد بوده است که از ۷۵/۲ درصد نرخ مشارکت مردان منطقه، ۵۳/۵ درصد کمتر است. شکاف جنسیتی فراتر از تفاوت در نرخ مشارکت نیروی کار است. برای مثال، در سال ۲۰۱۴ نرخ بیکاری زنان در منطقه ۲۱/۳ درصد و ۲/۳ برابر بیش از مردان بوده است. این نرخ در مقایسه با ۶/۳ درصد متوسط نرخ بیکاری زنان در جهان بسیار بالا است. هم‌چنین ۲۷/۳ درصد از زنان شاغل در منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا در گروه «کارگران خانگی بدون مزد» جای می‌گیرند، متوسط جهانی اشتغال زنان در این گروه شغلی ۱۸/۲ درصد است.

کمبود فرصت‌های شغلی به افزایش اشتغال غیر رسمی منجر شده است. بر اساس برآورد سازمان جهانی کار (ILO) اقتصاد غیررسمی، دو سوم نیروی کار کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا، غیر از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، و یک سوم تولید ناخالص داخلی این کشورها را به خود اختصاص می‌دهد. نتایج بررسی‌ای سازمان جهانی کار نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد جوانان در اردن و تونس در مشاغل غیر رسمی به کار مشغولند.

جدول ۳. تحولات شاخص های بازار کار در منطقه ی خاورمیانه و شمال افریقا

	۲۰۰۹	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹
نرخ مشارکت نیروی کار	۴۸،۰	۴۸،۸	۴۹،۲	۴۹،۴	۴۹،۶	۴۹،۷	۴۹،۸	۴۹،۹	۵۰،۰
نرخ بیکاری (مجموع)	۱۰،۵	۱۱،۷	۱۱،۶	۱۱،۷	۱۱،۷	۱۱،۶	۱۱،۶	۱۱،۵	۱۱،۵
نرخ بیکاری جوانان	۲۴،۰	۲۸،۷	۲۹،۱	۲۹،۵	۲۹،۸	۲۹،۹	۲۹،۹	۲۹،۹	۲۹،۹
رشد اشتغال	۲،۹	۲،۶	۲،۹	۲،۳	۲،۳	۲،۳	۲،۲	۲،۱	۲،۰
رشد اشتغال جوانان	-۰،۲	-۱،۹	-۱،۱	-۱،۶	-۱،۲	-۰،۸	-۰،۴	-۰،۲	۰،۰
رشد دستمزد واقعی	-۱،۲	۲،۰	۱،۲	-۰،۵	-۰،۴	۰،۶	۱،۰	۱،۳	۱،۶
رشد بهره وری	-۰،۵	۱،۲	-۱،۶	۱،۰	۱،۶	۱،۹	۲،۱	۲،۳	۲،۴

توجه: رشد دستمزدی بهره وری منطقه از اطلاعات مستخرجه از داده های ۱۳ کشور از ۱۸ کشور حاصل شده است. منبع: روند مدل های اکونومتریک، اکتبر ۲۰۱۴؛ پایگاه داده های دستمزد جهانی ۲۰۱۴، بخش تحقیقات ILO

اقتصاد غیر رسمی، در نتیجه وخیم تر شدن شرایط سیاسی منطقه، رو به گسترش است. مطالعات اولیه سازمان جهانی کار در مورد تاثیر حضور آوارگان سوری در بازار های کار منطقه در لبنان و اردن نه تنها نشانگر افزایش اشتغال غیر رسمی بلکه نمایانگر وخیم تر شدن نرخ های دستمزد و شرایط کار است. عدم تطابق مهارت ها نیز یکی از چالش های ساختاری منطقه است. در حال حاضر بخش دولتی بزرگترین مرجع ایجاد فرصت های شغلی بوده و سطح تحصیلات شاغلین این بخش بالاتر از متوسط جهانی است. با این حال سازمان جهانی کار بر این عقیده است که هنوز در بعضی از کشورهای منطقه، نرخ اشتغال افراد کم سواد بالاتر از نیروی کار دارای تحصیلات عالی است. بهبود ساختار آموزش جوانان، ارتقاء ارتباط میان دولت و موسسات آموزشی و بازار کار، برای غلبه بر مشکل عدم تطبیق مهارت ها با نیازهای بازار کار و تسهیل روند انتقال از مدرسه به کار ضروری است.

شدت تاثیر حضور پناهندگان سوری بر بازار کار در اردن و لبنان

تا نیمه سال ۲۰۱۴ حدود سه میلیون مهاجر سوری به کشورهای همسایه - اردن، لبنان، عراق و ترکیه وارد شده اند. طبق اطلاعات کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، این رقم پس از جنگ جهانی دوم بالاترین تعداد مهاجرت در جهان است. در لبنان از هر چهار نفر، یک نفر سوری است. سیل عظیم مردمی که از خانه خود آواره شدند، فشار سنگینی بر منابع محدود و ساختار شکننده این کشور وارد آورده است. طبق بررسی بعمل آمده توسط سازمان جهانی کار، آوارگان سوری با شرایط کاری دهشتناکی مواجه هستند. متوسط درآمد ماهانه یک مهاجر سوری در لبنان ۴۰ درصد کمتر از حداقل دستمزد است. مهاجران زن سوری وضعیت وخیم تری داشته و ۴۰ درصد کمتر از هم تایان مرد دستمزد دریافت می کنند. کار غیر رسمی بر اشتغال سوری ها حاکم است و از هر ده نفر، نه نفر فاقد قرارداد و ۵۶ درصد در مشاغل فصلی، هفتگی یا روزانه مشغول به کارند. این بررسی ها در اردن نشان می دهد که پناهندگان سوری در اردن خارج از بازار کار قرار دارند اما همین حضور، خود منجر به گسترش اشتغال غیررسمی شده است.

فقدان توسعه فراگیر موجب تداوم فقر و نابرابری شده است

سهام جمعیتی که در فقر مطلق به سر می‌برند- یعنی با درآمد روزانه کمتر از ۱/۲۵ دلار در روز امرار معاش می‌نمایند- در کل منطقه پائین بوده و در سال ۲۰۱۲ برابر ۷/۴ درصد است. البته این میزان در سال ۲۰۱۰ برابر ۴/۱ درصد بوده است. با این حال اگر خط فقر در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار گیرد، گستردگی ورشد آن در بسیاری از کشورهای منطقه ملاحظه می‌شود: این میزان در مصر به ۲۵ درصد، در عراق به ۱۸ درصد و در اردن و تونس به ۱۵ درصد می‌رسد. در سال ۲۰۱۲ حدود ۲۳/۴ درصد از مردم کشورهای عربی زیر خط فقر زندگی می‌کردند که با ۲۲/۷ درصد در سال ۱۹۹۰ قابل مقایسه است.

علاوه بر این، نابرابری درآمدی - بر اساس شاخص جینی - در مصر و عراق حدود ۳۰ و در مراکش بیش از ۴۰ است. میزان بالای نابرابری درآمدی پیش از همه به دلیل نبود سیاست‌های مزدی مناسب (حداقل دستمزد در این کشورها بسیار پائین است) و فقدان تامین اجتماعی است. در واقع در بیشتر کشورهای منطقه سیستم تامین اجتماعی توسعه نیافته است. معمولاً سیستم تامین اجتماعی تنها به صورت چتر حمایتی بر کارکنان بخش خصوصی بوده و شاغلین خویش فرما، کارگران خانگی و کارگران بخش غیر رسمی را از هرگونه پشتوانه ای محروم می‌دارد. تنها ۲ درصد از کارگران بیکار در خاورمیانه از بیمه بیکاری برخوردارند در حالی که متوسط این میزان در جهان بیش از ۱۰ درصد است. اخیراً اقداماتی در الجزایر، مصر، کویت و عربستان سعودی برای تامین بیمه بیکاری برای جویندگان کار صورت پذیرفته است.

بعضی از کشورهای با درآمد اندک یا متوسط منطقه با معضل تامین خدمات درمانی مناسب نیز روبرو هستند. تنها یک سوم جمعیت منطقه - بطور کما بیش- از این پوشش برخوردارند. منابع عمومی اندک برای تامین پشتوانه خدمات درمانی موجب شده که حداکثر ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی این منطقه صرف این امور شود در حالیکه متوسط جهانی ۲/۸ درصد است. دسترسی محدود به خدمات عمومی موجب تکیه بیشتر به سرویس‌های خدمات درمانی بخش خصوصی شده و طبیعتاً باعث ایجاد فشار بیشتر بر اقشار آسیب پذیر می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی